

# جواهر الاخبار

بخش تاریخ ایران از فتیله قویونلو تا سال ۹۸۴ ه. ق

تألیف

بوداق مشیفتزوی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

محسن بهرام‌شاد

منشی قزوینی، بوداق، ۱۹۱۶ - ق.

[ جواهر الاخبار، برگزیده ]

جواهر الاخبار (بخش تاریخ ایران از قراویونلو تا سال ۹۸۳ هـ. ق) / تألیف بوداق منشی قزوینی؛  
مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد - تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، میراث مکتوب، ۱۳۷۸.  
۲۱۷ ص. - (میراث مکتوب: ۷۲. تاریخ و جغرافیا؛ ۹)

ISBN 964-6781-35-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

Jāwāher-al-Axḡār.

ص.ع. لاتینی شده:

کتابنامه: ص. [ ۲۱۵ ] - ۲۱۷.

۱. ایران - تاریخ - قره قویونلو، ۷۸۰ - ۸۷۲ ق. ۲. ایران - تاریخ - آق قویونلو، ۷۸۰ - ۹۰۸ ق.  
الف. بهرام نژاد، محسن، ۱۳۳۵ - مصحح. ب. مرکز نشر میراث مکتوب. ج. عنوان. د. عنوان:  
جواهر الاخبار، برگزیده.

۹۵۵/۰۶۷۱

DSR۱۱۲۸ / م ۸ ج ۹۰۱۲

م ۷۸ - ۱۹۱۶۳

کتابخانه ملی ایران



## جواهر الاخبار

(بخش تاریخ ایران از قراویونلو تا سال ۹۸۴ هـ. ق.)

تألیف: بوداق منشی قزوینی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محسن بهرام نژاد

ناشر: میراث مکتوب

چاپ اول: ۱۳۷۸

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

شابک ۷ - ۳۵ - ۶۷۸۱ - ۹۶۴

لیتوگرافی: نقره آبی

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نشانی ناشر: تهران، ص. پ: ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵، تلفن: ۳ - ۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۴۰۸۷۵۵

Email: MirasMaktoob@apadana.com

## فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۵۵	آغاز کتاب

### [مقدمه] ثانی

قسم چهارم: احوال طایفه قراقویونلو و آق قویونلو  
آن بر دو فصل است:

#### فصل اول: قراقویونلو

۶۳	احوال قرایوسف قراقویونلو
۶۵	احوال شاه محمد و امیر اسبان
۶۵	احوال میرزا اسکندر بن قرایوسف
۶۶	سلطنت میرزا جهانشاه بن قرایوسف
۶۸	واقعه عجیبه
۷۱	احوال حسنعلی بن جهانشاه

#### فصل دوم: احوال آق قویونلو

۷۳	احوال فرخنده مآل امیرکبیر ابوالنصر حسن بیک [اوزن حسن]
----	---

۷۴	..... مطایبه
۸۰	..... ذکر سلطنت سلطان خلیل بن حسن بیک
۸۱	..... ذکر سلطنت و حکومت یعقوب بیک بن حسن بیک
۸۴	..... احوال قاضی عیسی صدر
۸۶	..... احوال میرزا بایسنقر بن یعقوب میرزا
۸۸	..... محاربه صوفی خلیل با محمود بیک پسر اغورلو محمد
۸۹	..... احوال اصحاب قزوین
	باقی احوال بایسنقر میرزا و صوفی خلیل و محاربه او با سلیمان بیک بیژن و
۹۰	..... قتل صوفی [خلیل]
۹۱	..... احوال سلیمان بیک بیژن
۹۳	..... سلطنت رستم بیک بن مقصود بیک بن حسن بیک
۹۴	..... احوال شاهزاده‌های صفویه حیدریه
۹۵	..... باقی احوال رستم بیک
۹۵	..... احوال احمد بیک بن اغورلو محمد بن حسن بیک
۹۶	..... احوال محمدی میرزا بن یوسف میرزا و محاربه او
۹۶	..... ذکر سلطنت الوند بیک بن یوسف میرزا
۹۷	..... ذکر سلطنت سلطان مراد بن یعقوب بیک بن حسن بیک

#### خاتمه

#### احوال خجسته مآل سلاطین رفیع‌القدر صفویه حیدریه حسینییه حفت بالانوارالقدسیه

۱۰۲	..... مقدمه
۱۰۲	..... نسب شاه
۱۰۵	..... مباحثه علما
۱۰۶	..... باقی احوال
۱۰۶	..... حکایت
۱۰۷	..... تعریف الحمدلله

## پیشگفتار

جواهر الاخبار، تألیف بوداق منشی قزوینی از جمله کتابهای تاریخ عمومی است، و وقایع و حوادث جهان را از آغاز آفرینش و هبوط آدم تا سال ۹۸۴ ه.ق. که مؤلف اثر خود را به اتمام رسانیده است بیان می‌کند. نویسنده، شرح آفرینش عالم و آدم و وقایع روزگار سلاطین پیش از اسلام و پس از اسلام را به اختصار آورده، اما رویدادهای زمان خود را که معاصر با عهد صفوی است با تفصیل بیشتری بیان کرده، خاصه آنکه خود از منشیان و دیوانیان دستگاه دولت صفوی بوده، و با بعضی از شاهزادگان و دولت‌مردان مشهور آن روزگار مراوده و هم‌نشینی داشته است.

از شرح حال و زندگانی وی در منابع تاریخی و تذکره‌هایی که از روزگار صفوی به یادگار باقی مانده مطلبی به دست نمی‌آید، و نیز در میان آثار متأخر و فهرس کتب و تحقیقات نویسندگان، کمتر اثری است که به ذکر نام و تألیف او پرداخته باشد.<sup>۱</sup> از این رو،

---

۱. در این باره به آثار و فهرس زیر مراجعه شود:

- آغا بزرگ طهرانی، محمد حسن: الذریعه الی التصانیف الشیعه. تهران، ۱۳۶۳ ش، الجزء الخامس، ص ۲۵۸.

- گلریز، سید محمد علی: مینودر یا باب‌الجنه قزوین. تهران، ۱۳۲۷ ش، ج ۲، ص ۲۶۱.

- برگل، یو.ا. (مترجم): ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری. مترجمان، یحیی آربین‌پور و ... تهران، ۱۳۶۲ ش،

بخش دوم، صص ۵۹۵-۵۹۴.

تنها منبع آگاهی دهنده همین کتاب است که به نام او می‌شناسیم. وی در شرح حال خود، جدا از اشارات پراکنده در کتابش، بخش کاملتر و مفصلتری تحت عنوان «احوال مؤلف، بوداق منشی»<sup>۱</sup> اختصاص داده که تا اندازه‌ای وضعیت مبهم و تاریک زندگانی‌اش را بر ما روشن می‌سازد.

قابل ذکر است، بخش «احوال مؤلف، بوداق منشی» همراه با توضیحاتی چند درباره جواهرالاجبار در مقاله‌ای تحت عنوان «درباره یک مأخذ کمیاب درباره صفویان» توسط شرق‌شناس روسی، «پ. ای. پتروف»<sup>۲</sup> در مجله خاورشناسی شوروی (۱۹۵۶م. شماره ۱، ۱۱۱-۱۲۰) به زبان روسی ترجمه و به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>

همچنین، ترجمه دیگری از این بخش به زبان انگلیسی به همراه توضیحات درباره اثر، در مقاله‌ای تحت عنوان «حرفه منشیگری در عهد شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق / ۱۵۷۶-۱۵۲۴ م.)» توسط «آر. ام. سیوری»<sup>۴</sup> در نشریه مطالعات اسلامی، (مجلد دوم، شماره ۳، کراچی، ۱۹۶۳ م.)، چاپ و منتشر گردید<sup>۵</sup> و نگارنده از این مقاله استفاده کرده است.

مع الوصف، پیش از پرداختن به زندگینامه بوداق منشی، یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

←

- نفیسی، سعید: تاریخ نظم و نثر در ایران. تهران، ۱۳۴۴ ش، ص ۳۵۶.
- دانش پژوه، محمد تقی: فهرست میکرو فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ص ۲۲۵.
- افشار، ایرج و ...: نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران، ۱۳۴۲ ش، ج ۳، ص ۱۰۱.
- منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران، ج ۶، ص ۴۱۳۶.
- سالتیک شدرین، م. ی.: فهرست نسخه‌های خطی فارسی و تاجیک در کتابخانه عمومی دولتی. لنین‌گرا، ۱۹۸۸ م. - ج ۱، ص ۱۲۵، به نقل از: احمد منزوی، فهرستواره کتابهای فارسی. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۱، ص ۶۰۹.
۱. جواهرالاجبار، صص ۱۸۷ - ۱۹۰.
۲. P.E. Petrov
۳. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص ۵۹۵.
۴. R.M. Savory
۵. همان منبع، صص ۵۹۵-۵۹۶.

۱. آنچه را که مؤلف درباره خود نوشته، بسیار مختصر است، و در عین حال دقیق و کامل نیست.
  ۲. مطالبی در اظهارات مؤلف وجود دارد که به نظر می‌رسد راه اغراق را پیموده است.
  ۳. بخش اعظم گفتار مؤلف در شرح حال خود، با سنوات تاریخی و شغلی وی قابل انطباق نیست.
  ۴. در شرح حال وی مواردی ذکر شده که به نظر ابهام آمیز می‌رسد. به هر ترتیب، مؤلف در آغاز کتاب، خود را چنین معرفی کرده است: «غرض از این سخن آنکه فقیر حقیر بوداق منشی قزوینی حصل امله و حسن عمله مدتی به گرد سخن می‌گشت...»<sup>۱</sup>
- سال دقیق تولد نویسنده کتاب بدرستی معلوم نیست و خود نیز در اثرش به صراحت بیان نکرده است.
- اما در این باره، بنابر آنچه که نویسنده در شرح احوال خود می‌نویسد دو تاریخ برای تولد او به دست می‌آید:
۱. سال ۹۱۸ ه.ق.

چنانکه بوداق منشی در ابتدای شرح احوال خود می‌نویسد:

«... در چهارده سالگی به دفترخانه همایون رفتم، و این اوایل سلطنت پادشاه بود که در فتنه تکلو و استاجلو به قزوین آمدند و قشلاق کردند...»<sup>۲</sup>

به استناد منابع عهد صفوی، طهماسب اول در سال ۹۳۰ ه.ق. به سلطنت رسید و نخستین زمستانی را که در قزوین گذرانید، سال ۹۳۲ ه.ق. پس از شکست طایفه استاجلو در مقابل روملو و تکلو، و فرار آنان به گیلان بوده است.<sup>۳</sup>

۱. جواهر الاخبار، ص ۵۷.

۲. همان منبع، ص ۱۸۷.

۳. در این باره رجوع شود به:

- غفاری قزوینی، احمد (قاضی): تاریخ جهان آرا، تهران، ۱۳۴۳ ش، ص ۲۸۳.

اگر ورود بوداق منشی را به «دفترخانه همایون» با توجه به سن او، همزمان یا نزدیک به سال ۹۳۲ ه.ق. بپذیریم، در این صورت تاریخ تولد او سال ۹۱۸ ه.ق. به دست خواهد آمد.

## ۲. سال ۹۱۶ ه.ق.

زیرا بوداق منشی در پایان همان شرح احوال، صراحتاً متذکر است که تا سال ۹۸۴ ه.ق. از عمر او شصت و هشت سال گذشته است، بدین عبارت توجه شود: «...و سن فقیر تا حالت تحریر شصت و هشت سال (۶۸) است، و سال... (۹۸۴) این حالات مؤلف بود که مندرج شد»<sup>۱</sup>.

بنابراین، تولد او در سال ۹۱۶ ه.ق. صحیح‌تر است و بر این اساس، به نظر می‌رسد بوداق منشی در سال ۹۳۰ ه.ق. که از سن او چهارده سال می‌گذشته وارد «دفترخانه همایون» گردیده، و تا سال ۹۳۲ ه.ق. نزدیک به دو سال از خدمات دیوانی او می‌گذشته است؛ و اینکه مؤلف کتاب، سال ورودش را به جرگه امور دیوانی همزمان با نخستین قشلاق شاه طهماسب صفوی دانسته، بایستی از خطای او در محاسبه به شمار آورد. گذشته از این مطلب، از میزان تحصیلات و علم و آگاهی او نسبت به دانشهای متداول زمان اطلاعی در دست نیست، و خود نیز در اثرش بدان اشاره‌ای ندارد، جز آنکه در مقدمه کتاب، علاقه‌مندی خود را نسبت به تاریخ و مطالعه آن بیان کرده است، و نتیجه آن، اثری است که از او باقی مانده و بیان‌کننده میزان رشد و پیشرفت او در فن تاریخ‌نگاری زمان خود می‌باشد.

بوداق منشی در این کتاب از خانواده و پدرش، و مقام و منزلت او در روزگار حیات، و یا تأثیراتی که فرزند از پدر پذیرفته، سخن به میان نمی‌آورد، اما از میان بستگان مادری

←

۱- شیرازی، عبدی بیک (نویدی): تکملة الاخبار. تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۶۹ ش، ص ۶۳.

۲- شاه طهماسب صفوی: تذکره شاه طهماسب. به اهتمام امرالله صفری. تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۷.

۳- روملو، حسن: احسن التواریخ. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. تهران، ۱۳۵۷ ش، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴- جواهرالاجبار، ص ۱۵۲. ۱- جواهرالاجبار، ص ۱۹۰.

خویش دو تن را نامبرده است، چنانکه یکی از آنان در ارتقاء وی در امور دیوانی عهد صفوی نقش مؤثری داشته است. با استناد بر گزارش بوداق منشی، چنین تصور می‌رود که از جانب مادری به یکی از خانواده‌های متنفذ شالکان [؟]<sup>۱</sup> قزوین تعلق داشته است، و نه تنها در عهد پایانی حکومت آق‌قویونلو صاحب عنوان و منزلت بوده، بلکه در دوران صفوی نیز دارای جاه و مقام بوده‌اند.

خواجه روح‌الله شالکانی قزوینی، پدر بزرگ مؤلف (بابای مادری)، یکی از افراد صاحب نام این خانواده است. وی در سال ۸۹۶ ه.ق. در زمان سلطنت کوتاه بایسنقر میرزای آق‌قویونلو و تحت حمایت سلیمان بیک بیژن به منصب وزارت دست یافت.<sup>۲</sup> توضیح بیشتر آنکه، سالهای پایانی حکومت آق‌قویونلو، از مهمترین اعصار تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌آید. زیرا، با مرگ یعقوب بیک در سال ۸۹۶ ه.ق. انسجام و وحدت سیاسی دولت بایندری درهم شکست، و جنگ قدرت میان شاهزادگان و سرداران آق‌قویونلو بالا گرفت، و هر یک از امیران و متنفذان ترکمان با وسیله قرار دادن یکی از شاهزادگان تلاش می‌نمودند تا خود اقتدار و حاکمیت امور را به دست گیرند. صوفی خلیل از چهره‌های سرشناس همین روزگار است که در پرتو دانایی و تدبیر خود توانست در میدان تنازع، گوی سبقت را از دیگر رقبایش برآید و شاهزاده خُردسال، بایسنقر میرزا را به سلطنت رساند. اما حاکم واقعی دولت ترکمان، صوفی خلیل بود، او همه امور حکومت را در قبضه اقتدار خود داشت و برای حفظ آن از قتل و کشتار و حبس کردن شاهزادگان و حریفان نیرومند فروگذاری نکرد. چنانکه به فرمان او میرزا علی، امیردیوان و مسیح میرزا فرزند اوزُن حسن و جمعی دیگر از امیران ترکمان کشته

۱. نام این منطقه در منابع یافت نشد، شاید منصوب به «شال» از توابع قزوین باشد. درباره منطقه «شال» رجوع شود به:

- مستوفی، حمدالله: زهة القلوب. به اهتمام محمد دبیر سیاقی. تهران، ۱۳۳۶ ش، ص ۶۴ ایضاً،

- مفخم پایان، لطف‌الله: فرهنگ آبادیهای ایران. تهران، ۱۳۳۹ ش، ص ۲۷۷.

۲. جواهر الاخبار، ص ۹۱.

شدند، و همچنین رستم بیک که از نوادگان اوزُن حسن بود در قلعه النجق زندانی گشت. اما دوران سروری و مهتری صوفی چندان پایدار نماند. زیرا، با حریف مقتدری چون سلیمان بیک روبه رو شد. شخصیتی که هم با خانواده آق قویونلو نسبتی داشت و هم از حمایت امرای بایندری برخوردار بود. بنابراین جدال و جنگ میان آن دو اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسید. سرانجام در حدود قلعه وان به دنبال یک رویارویی، صوفی خلیل مغلوب و کشته شد و سلیمان بیک با حمایت خود از پادشاهی بایسنقر میرزا، اختیار حکومت را در دست گرفت و به تنظیم و تقسیم امور و مناصب پرداخت.<sup>۱</sup> و چنانکه قبلاً گذشت، خواجه روح‌الله شالکانی قزوینی را در تبریز به مقام وزارت گماشت.

چنین به نظر می‌رسد، خواجه روح‌الله شالکانی تنها یازده ماه در این منصب بوده است. زیرا، بوداق منشی این انتصاب را در ذیل وقایع ماه رمضان از سال ۸۹۶ ه.ق. آورده است.<sup>۲</sup> و چون بایسنقر میرزا به گیلان گریخت و سلیمان بیک بیژن به وسیله اطرافیان رستم‌بیک کشته شد، و رستم بیک در اواخر ماه رجب همان سال بر تخت سلطنت تبریز جلوس کرد،<sup>۳</sup> دیگر خواجه روح‌الله شالکانی بر سمت خود باقی نمانده است، و بوداق منشی نیز از سرگذشت بعدی خواجه هیچ اطلاعی به دست نمی‌دهد. مع الوصف، این شرح حال مختصر را تنها بوداق منشی آورده، و تا آنجا که امکان دسترسی و استفاده از منابع شناخته شده عهد آق قویونلو و همچنین کتب تاریخ عمومی به جای مانده از روزگار صفوی وجود داشت، گزارش دیگری از شرح حال و سرانجام وی به دست نیامد.

از دیگر چهره‌های سرشناس خانوادگی بوداق منشی، که از او نام می‌برد، امیربیک شالکانی قزوینی پسر خواجه روح‌الله شالکانی و خالوی بوداق منشی بوده است. بر

۱. ر.ک: یحیی‌بن‌عبداللطیف قزوینی، لب‌التواریخ. تهران، ۱۳۶۳ ش، صص ۳۶۶-۳۶۸. ایضاً، تاریخ جهان‌آرا، ص ۲۵۵

واحسن‌التواریخ، همان مصحح، تهران، ۱۳۴۹ ش، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۶۳ و جواهرالاجبار، صص ۹۰-۹۱.

۲. جواهرالاجبار، ص ۹۱.

۳. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: تاریخ جهان‌آرا، ص ۲۵۵. ایضاً، لب‌التواریخ، صص ۳۶۷-۳۶۸.